

عنوان مقاله:

موانع تفکر انتقادی در آموزش عالی

محل انتشار:

سومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات میان‌رشته‌ای روانشناسی، مشاوره و آموزش علوم تربیتی (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسندگان:

عباس عبدالی سجزی - استادیار دانشگاه فرهنگیان اصفهان

لیلا دادگر - دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میمه

خلاصه مقاله:

هدف این پژوهش بررسی موانع تفکر انتقادی در آموزش عالی و ارائه راهبردهایی جهت رشد تفکر انتقادی است. رویکرد پژوهش از نوع کیفی است و روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است از نوع تحلیل اسنادی. این پژوهش یک مطالعه مروری برکتب و برخی مقالات منتشر شده در زمینه تفکر انتقادی است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که آنچه در جامعه امروز ما، نیاز است برنامه ریزی دقیق و گنجانیدن دروس و مطالبی است که گسترش‌دهنده خلاقیت و نقد در بین افراد جامعه باشند. بار سنگین مسئولیت ترویج آموزش تفکر انتقادی در جامعه امروز عهده پژوهشگران و محققان دانشگاهی کشور است که قبل از هر چیز باید در پی یافتن منابع لازم برای شروع اقدام گسترده عملی در آموزش این نوع تفکر باشند. آموزش عالی در پرورش مهارت تفکر انتقادی موفق نبوده است و به نظر می‌رسد ضعف دانشجویان در تفکر انتقادی می‌تواند در ارتباط با کارکرد ضعیف آموزش عالی‌در برنامه ریزی غنی آموزشی و درسی و همچنین بستر فرهنگی جامعه باشد. و به دلیل کمبود منابع مطالعاتی در این زمینه در کشور، ما بیش از هر چیز نیازمند تدوین و تالیف منابع لازم می‌باشیم و قشر دانشگاهی باید قبل از اقدام به تدوین منابع، توانایی‌های لازم را کسب نموده باشند تا بتوانند با بینش صحیح تفکر انتقادی را در آموزش عالی رواج داده و موانع آن را برطرف کنند. یکی از کاراترین گامها در این راستا، بهبود جنبه‌های نگرش‌تفکر انتقادی، توجه به کارکرد برنامه درسی پنهان در آموزش عالی است که می‌تواند اهداف برنامه درسی رسمیرا خنثی کند. رشد و توسعه تفکر انتقادی وابسته به غلبه بر موانع مختلف فردی و اجتماعی است. در پایان براساس مطالعات انجام شده راهبردهایی برای برطرف کردن موانع تفکر انتقادی در برنامه درسی آموزش عالی ارائه شده است.

کلمات کلیدی:

آموزش عالی، تفکر انتقادی، موانع تفکر انتقادی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1182057>

